

لبه‌های شهری

بررسی نقش لبه‌ها در تحقق اهداف منظر

چکیده: تهران از جمله بزرگترین کلان شهرهای دنیاست که به دلیل عدم انطباق ساختار قدیم و جدید آن، از نابسامانی‌های بسیار رنج می‌برد. عناصر تشکیل دهنده هویت این شهر که طی چندین دهه ثابت بوده است، طی تحولات صنعتی، اجتماعی و سیاسی - که قطع تداوم فرهنگی را به دنبال داشت - از خاطره اذهان عمومی پاک شده است.

از جمله این عناصر، لبه‌های شهری است که نقش اساسی در هویت منظرین با شهر دارد. رویکردهای حاضر به لبه‌های شهری در تهران به دلیل عدم شناخت ظرفیت‌های منظرین آنها، حداکثر کالبدی بوده و به همین دلیل بسیاری از آنها، امروزه از بین رفته است. در صورتی که لبه‌های شهری از عناصر اصلی معرفی شهر در ذهن مخاطب است. این نوشته درصدد است با استناد به دانش منظر شهری و تعریف لبه شهری در این نظریه، نمونه‌ها و ظرفیت‌های لبه‌های شهری تهران را تحلیل و ارزیابی کند.

واژگان کلیدی: منظر شهری، لبه شهری، تهران، ساختار تاریخی.

تصویر ۱: رودخانه تایمز لندن -
ویترین نمایش معماری و
تکنولوژی مدرن کشور، عکس:
آیدا آل‌هاشمی، ۱۳۸۸.



سمانه یاراحمدی، کارشناس
ارشد معماری منظر.

Samaneh Yarahmadi,
M.A. in Landscape
Architecture.
samaneh.yarahmadi@gmail.com

City Edges

Surveying the role of edges in the realization of landscape goals

Abstract: Tehran is one of the largest metropolitan cities in the world that suffers from Irregularity due to nonconformity in the old and new structure. Identity factors within the city that have been constant for decades have been faded from public memory among industrial, social and political evolution that had led to the interruption in the culture of society.

One of these factors is urban edge that has close relationship with urban landscape of city. The current approach to the urban edge in Tehran is merely objective and physical and that is why many of urban edges in Tehran have been destroyed. While urban edges are one of the most important factors of Recognition of the city among public mind.

The intention of this paper is to analyze and evaluate different aspects and capacities of urban edges of Tehran through theoretical knowledge of landscape design and definition of urban edge.

Keywords: Urban landscape, Urban Edge, Tehran, Historic structure.



مقدمه

◀ دگرگونی‌ها و پیشرفت جوامع در دو سده اخیر، به شکل جدیدی از روابط اجتماعی و فرهنگی در معنای عام انجامیده و شهر به عنوان تبلور کالبدی این دگرگونی، ماهیتی دوباره یافته که در آن روابط کالبدی و فضایی نیز مفهومی جدید از مقوله شهروندی را مطرح می‌کند. از آنجا که این دگرگونی‌ها بیش از آنکه ماهوی باشد عرضی بوده، و نه در اثر عوامل درونی بلکه به سبب تحول شرایط برونی رخ داده‌اند، بنابراین آنچه فضای شهری عرضه می‌دارد با آنچه شهروند طلب می‌کند در تعارض قرار می‌گیرد. لبه‌های شهری یکی از مهم‌ترین عناصر استخوانبندی شهر بوده و در جهت‌دهی به ذهنیت شهروندان در سیما و منظر شهر نقش بسزایی را ایفا می‌کند. این در حالی است که نقش این عنصر در نیل به اهداف سه‌گانه منظر شامل اهداف عملکردی (خوانایی)، فرهنگی (هویتی) و زیباشناسی، کمرنگ شده است.

رشد تدریجی شهر و ظهور آرام عناصر نوین انقلاب صنعتی همچون خطوط راه‌آهن یا خیابان‌های جدید در برخی شهرها از جمله شهرهای اروپایی، با عبور از میان شهرهای قدیمی فرصت انطباق با ساختار شهر و شکل‌گیری منظری واحد را داشته است؛ در صورتی که روند شتاب‌آلود رشد شهر تهران، شهر کوچک دوره قاجاریه را اکنون به کلان شهری با سیمای آشفته و متفاوت از شهر سنتی بدل ساخته است.

فرضیه

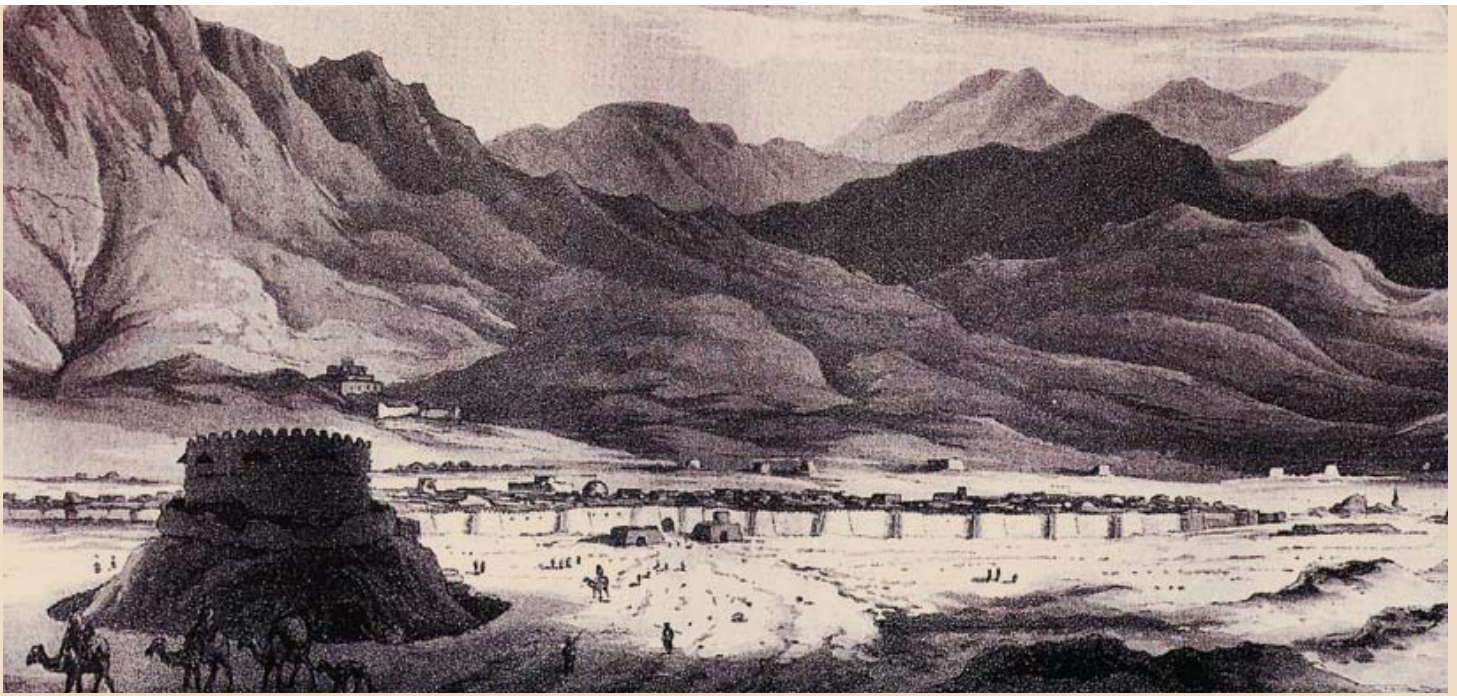
لبه‌های شهری از عناصر اصلی به‌وجود آورنده منظر شهری است که به عنوان نشانه نقش مهمی در تبیین هویت شهر دارد. لبه‌ها به صورت طبیعی یا مصنوع و در مقیاس‌های خرد تا کلان در شهر وجود دارد. طرح‌های توسعه شهری تهران تاکنون نسبت به نقش لبه‌ها در سیمای شهر توجه خاصی نداشته است.

تعریف لبه شهری

«لبه» کمیته کالبدی و عنصری از منظر شهری است که در تصویر ذهنی شهروندان، یک امتداد را که نشانه‌ای قابل تشخیص از نظر بصری است، تداعی می‌کند. به عنوان مثال، رودخانه‌ها، دره‌ها و بدنه بزرگراه‌ها مصادیق لبه در شهر است. لبه‌ها، می‌تواند نشانه‌های طولانی باشد که در این صورت به دلیل تفاوت با محیط اطراف به عنوان نمونه‌ای از نقاط عطف نیز محسوب می‌شود.

لبه شهری در مقیاس خرد نیز یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های هویت‌بخش فضا است. در این مقیاس، لبه‌ها برای ساکنین خاطره‌انگیز بوده و از عناصر به‌وجود آورنده و هویت بخش فضا محسوب می‌شود. برای مثال خط آسمان کوچه‌ها، نمودی از لبه در مقیاس خرد است و بخشی از هویت محله و شهر را تبیین می‌کند.

لبه‌ها مانند عناصر دیگر شهری دارای ظرفیت‌های زیادی است که هم برای



معنابخشی به محیط به کار می‌رود و هم می‌تواند حامل فضای زمینه خود باشد. لبه‌ها به عنوان ابزاری برای کیفیت بخشیدن به شهر و کنترل کیفی آن کاربرد دارد و می‌تواند سیاست‌ها و خواسته‌ها را در شهر به نمایش گذارد. شکل لبه‌های شهری قادر است صفات مختلف اجتماعی حاکم بر شهر را بیان کند. لبه به عنوان نقطه هدف می‌تواند ماهیت اقتدارگرایانه، مردمی، عامیانه، یکنواخت و تزئینی‌گرا داشته باشد (منصوری، ۱۳۸۷).

با توجه به نقش لبه‌ها در هویت منظرین شهر لازم است یک سیاست کلی در مدیریت آن‌ها حاکم باشد. در لندن، سیاست حاکم بر لبه رودخانه تایمز به عنوان یک لبه طبیعی، نمایش معماری و تکنولوژی مدرن است؛ در صورتی که سیاست برگزیده در پاریس نقطه مقابل این تفکر بوده و با حفظ روحیه تاریخی شهر اجازه ساخت و ساز جدید را نداده است. لبه زاینده‌رود و رود دره‌های تهران به عنوان مصداقی از این مسئله قابل مقایسه است. اما باید توجه داشت که این ظرفیت، در ایران ناشناخته مانده و لبه‌های شهری در طرح جامع برای توسعه کیفی و کمی شهر، به‌طور خاص مورد توجه نبوده است (تصاویر ۱ و ۲).

ماهیت لبه‌های شهری: لبه‌های شهری از لحاظ ماهیت در دو دسته عینی و ذهنی قابل بررسی است:

۱- عینی: لبه‌های عینی و کالبدی به دو دسته طبیعی و مصنوع تقسیم‌بندی می‌شود. مؤلفه‌های لبه طبیعی شهر شامل متغیرهایی چون کوه، دشت، رود و نظیر آن می‌شود. مؤلفه‌های لبه مصنوع نیز شامل متغیرهایی چون بزرگراه‌ها، خطوط راه‌آهن،

توده‌های پیوسته ساختمانی، حصارها و نظیر آن است.

۲- ذهنی: لبه ذهنی، لبه‌ای است که کالبد آن وجود ندارد ولی در ذهن شهروندان، امتدادی را تعریف کرده و دو نقطه شهری را به هم وصل می‌کند. لبه‌های عینی تاریخی که با گذشت زمان کالبد خود را از دست داده و یا کالبد آن‌ها دستخوش تغییرات شده، ولی خاطره مشترکی در ذهن شهروندان ایجاد کرده است و وجود امروز آنها وجودی ذهنی و مبتنی بر آثار حضور قدیمی آنهاست، در این دسته قرار می‌گیرد. حصار شهرها و خندق‌ها که در شهرهای امروز از میان رفته و بر روی آنها خیابان‌های جدید ساخته شده و همچنان امتدادی را تعریف می‌کند، از این جمله است.

اهداف مدیریت منظر لبه‌های شهری

مدیریت منظر لبه‌های شهری نیز همچون سایر مداخلات منظر، سه هدف فرهنگی، عملکردی و زیباشناسانه را در بر می‌گیرد که به نقش‌های آنها می‌پردازد:

۱- نقش هویتی: این که لبه به عنوان یک نشانه و شاخص بخشی از مناطق شهری در ذهن شهروندان باقی می‌ماند، زمینه مداخله و طراحی آن را به عنوان عنصر هویت‌ساز فراهم می‌کند. لبه‌های طبیعی شهر مانند حاشیه رودخانه که همواره در تاریخ شهر همراه آن بوده است و لبه‌های مصنوع مانند دیوار قدیم شهر یا خیابانی که بر جای آن ساخته شده، حامل ظرفیت‌های فضایی ویژه‌ای هستند که هویت شهر را به وجود می‌آورد.



تصویر ۵: گلبدره تهران،
عکس: سید محمد باقر
منصوری، ۱۳۸۹.

تصویر ۳: دورنمای شهر
تهران با برج و باروی شاه
تهماسپی، باروتخانه خارج
از شهر و رشته کوه البرز
(۱۳۳۳-۱۳۳۶ق) ایران،
سفرنامه سرراپرت کرپرتر،
۱۸۲۱م، مأخذ: نوروزی طلب،
۱۳۸۶.

تصویر ۴: احیاء رودخانه
جان گوی در شهر سنوول و
برچیدن بزرگراه مهم درون
شهری، مأخذ:
www.asla.org

تصویر ۲: رودخانه سن
پاریس- حفظ روحیه تاریخی
شهر لبه رودخانه، مأخذ:
www.paris-pictures.net



را مشخص کند. کیفیت‌هایی چون تضاد، رنگ، ریتم و مقیاس عواملی است که می‌توان از آنها در شاخص نمودن مقاصد فرعی بین راه و تمایز آن‌ها با مقاصد اصلی بهره برد. بافت دو سوی یک امتداد شهری که هویتی متفاوت ولی منظر مشابه دارد، لازم است که با لبه‌های متمایز طراحی شود تا شهروند بتواند کیفیت «اینجا» و «آنجا» بودن را احساس کند. در مقابل، لبه دو ناحیه شهری که از نظر کاراکتر مشابهند باید به گونه‌ای طراحی شود که دارای مشترکاتی از منظر هر دو بخش باشد. دیدن عناصر آشنا و پیامد آن یعنی تداعی، کمک بزرگی برای شهروندی است که مسیر را نمی‌شناسد و حس اطمینان برای او پدید می‌آورد و به شهروندی که مسیر را می‌شناسد حس هویت و اتکاء به عناصر مرجع و امکان سکانس‌شماری می‌دهد.

۲- نمود سه بعدی لبه‌ها: لبه بخشی از محیط سه‌بعدی طبیعی و مصنوع است و باید به صورت سه بعدی ادراک شود. طراحی لبه‌ها به صورت دو بعدی، نقش آن‌ها را تا حد یک هدف بصری صرف و ابزار تنظیم فیزیکی مسیر کاهش می‌دهد.

۳- سکانس‌بندی لبه‌ها: یک موضوع مهم در طراحی لبه‌های بزرگراه‌ها، سکانس‌بندی آن‌هاست. سکانس‌های فضایی بزرگراه می‌بایست قابل انقطاع باشد. ورود و خروج در مقاطع مختلف ایجاد می‌کند که بزرگراه شامل سکانس‌های مستقلی باشد. لبه‌ها باید دارای ضربانگ و تناوب منظمی از نقاط تصمیم‌گیری و کیفیت‌های بصری جالب توجه باشد. این ریتم می‌تواند براساس سرعت حرکت تنظیم شود.

۴- استمرار و وسعت عرصه دید: رعایت «ویستا» (تونل دید) و «پانوراما»

۲- نقش خوانایی: لبه‌های شهری به علت مشخص کردن امتدادهای اصلی در شهر، یکی از عناصر اصلی استخوانبندی و منظر شهری است و به این دلیل در ذهن ماندگار بوده و نقش مهمی در نقشه‌شناختی شهروندان از شهر را تشکیل می‌دهد. این عملکرد لبه‌ها باعث خوانایی و جهت‌یابی در شهر می‌شود. غرض از خوانایی این است که به آسانی اجزای شهر شناخته شود و در قالبی به هم پیوسته در ذهن ارتباط یابد.

مطالعات انجام شده برای تصویر نقشه ذهنی شهروندان از شهر حاکی از اهمیت لبه‌ها در آن است (لینچ، ۱۳۷۲). در نتیجه چنانچه مدیریت لبه‌های شهری براساس هویت و تقویت نقش منظرین آنها صورت گیرد، نقشه ذهنی شهروندان با واقعیت شهر برهم منطبق شده و خوانایی که موجب آرامش خاطر ساکنان خواهد بود، در شهر تحقق می‌پذیرد.

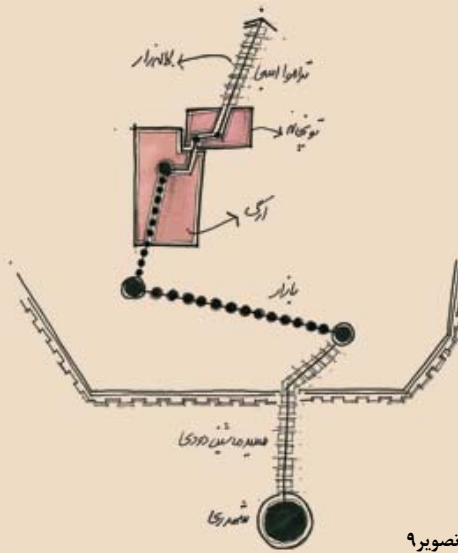
۳- نقش زیبایی‌شناسی: معیارهای زیبایی‌شناسی لبه‌ها در منظر شهری بر مبنای ارزش‌ها و عوامل فرهنگی نیز تعیین می‌شود. برای دست یافتن به این مقصد، ساختار محیط باید با نیازهای اندام‌واره‌ای، شخصیتی، اجتماعی و فرهنگی مردم در محیط جغرافیایی خاص منطبق شود. برای مثال، تداعی حاصل از درخت شاخص منطقه فرحزاد- درخت توت- سبب تشدید حس لذت و درک زیبایی منظر لبه رود دره فرحزاد در لبه بزرگراه یادگار امام در ذهن شهروندان خواهد شد.

برخی کیفیت‌های مورد انتظار از لبه‌های شهری

۱- نمایانی: شکل لبه‌ها می‌بایست به گونه‌ای باشد که در امتداد خود جهتی خاص



تصویر ۸



تصویر ۹

تصویر ۶: نقشه دارالخلافه تهران توسط البانیکولاویویچ برزین روسی در سال ۱۲۶۹ ه.ق. مأخذ: نوروزی طلب، ۱۳۸۶.

تصویر ۷: نمای خندق بین شهر و ارگ و دهانه بازار تهران و گنبد مسجد سلطانی (۱۲۵۶-۱۲۵۷ق.)، سفر در ایران، اوژن فلاندن و پاسکال کست، چاپ: ۱۸۴۰-۱۸۴۱ م. مأخذ: همان.

تصویر ۸: حفظ دیواره‌های تاریخی درون شهرها به عنوان لبه‌های تاریخی و ذهنی-بن/ تولدو، عکس: زهرا رستگاری، ۱۳۸۵.

تصویر ۹: لبه‌های ذهنی تاریخی، مأخذ: مرجانه زندی، ۱۳۸۸.

تصویر ۱۰: قلعه تاریخی ایزدخواست نمونه از اهمیت پرداختن و طراحی خاص لبه‌ها در شهرهای تاریخی، عکس: شهره جوادی، ۱۳۸۹.

تصویر ۱۱: اتوبان نواب و بدنه ساختمان‌ها، مأخذ: accelerating future.com



تصویر ۶



تصویر ۷

دامنه جنوبی البرز با امتداد خود در میان بافت شهر می‌تواند هویت منظرین طبیعی شهر تهران را احیاء کند (تصاویر ۴ و ۵).

۲- لبه‌های تاریخی: لبه‌های تاریخی شهر تهران، به راحتی از دوره‌های تاریخی قابل شناسایی است. حصار شهر و ارگ حکومتی، راسته بازار، دروازه‌های دوازده‌گانه تهران، مسیر تراموای اسبی و ماشین‌دودی از جمله مهم‌ترین لبه‌های تاریخی در شهر است. به دلیل نادیده انگاشتن این لبه‌ها، تهران امروز از تهران دیروز قابل تشخیص نیست. برخی از لبه‌های تاریخی شهر که به صورت عینی برجای مانده یا امتداد آنها در بافت شهر قابل تشخیص و برنامه‌ریزی و طراحی است عبارتند از:

دوره صفویه و زندگی: حصار شهر- حصار ارگ حکومتی- راسته بازار- مسیر اصلی شهر- باغات اطراف شهر- قنات‌ها.

دوره قاجار تا سلطنت ناصرالدین شاه: شهر- حصار ارگ حکومتی- خندق اطراف ارگ- بازار- قنات- مسیر دروازه شاه عبدالعظیم- مسیر دروازه قزوین- مسیر دروازه دولاب- مسیر دروازه شمیران- مسیر دروازه محمدیه- مسیر دروازه دولت.

دوره سلطنت ناصرالدین شاه تا پایان حکومت قاجار: حصار شهر- خندق اطراف شهر- حصار ارگ حکومتی- بازار خندق- بازار- قنات- مسیر دروازه شاه عبدالعظیم- دروازه دولاب- دروازه شمیران- دروازه دولت- دروازه یوسف آباد- دروازه باغ شاه- دروازه گمرک دروازه مشهد- دوشان تپه- خیابان سپه (امیریه)- خیابان لاله زار- خیابان علاءالدوله- خیابان نصریه- خیابان بوذرجمهری- راسته پاچنار- مسیر

(دیدهای متوالی) که گستره دید را در امتداد لبه‌های شهری علی‌الخصوص راه‌ها افزایش می‌دهد.

۵- آگاهی بر حرکت در مسیر لبه: آگاهی از حضور لبه، باعث می‌شود حرکت بالفعل و یا بالقوه ناظر برای خود او نیز محسوس باشد. روشنی شیب‌ها یا منحنی‌ها و نفوذ لبه‌ها در یکدیگر و تأکید بر تغییر منظر به سبب تغییر موقعیت ناظر، اقداماتی مؤثر هستند که ثبات و پیوستگی جهت حرکت یا تغییر آن را بیان می‌کند.

۶- مطابقت طراحی با مقیاس حرکت: رابطه میان مقیاس ناظر و محیط از عوامل مهم در ادراک منظر است. تناسب بزرگراه و سرعت حرکت، سطح جدیدی از ادراک را مطرح می‌کند. لبه بزرگراه‌ها می‌بایست به‌گونه‌ای شاخص طراحی شود تا راننده بتواند موقعیت خود را در محیط بسنجد و جهت‌یابی کند.

لبه‌های منظرین تهران

۱- لبه‌های طبیعی: رشته کوه البرز و رود دره‌ها از مهم‌ترین لبه‌های منظرین در تهران هستند که به دلیل بی‌توجهی به شاخص‌های هویتی، دیگر اثری از آنها در شهر پیدا نیست. به گواهی نقاشی‌ها و تصاویر مندرج در سفرنامه‌ها، تهران از رشته کوه البرز شناخته می‌شده و از مهم‌ترین لبه‌های هویت‌ساز آن بوده است (تصویر ۳).

رود دره‌ها نیز از بارزترین مؤلفه‌های طبیعی از ساختار شهرها است که در پدید آوردن مناظر بدیع طبیعی و خرداقلیم داخل شهرها نقش مؤثری برعهده دارند. رود دره‌های



تصویر ۸



تصویر ۸



تصویر ۱۰

ثبات و تداوم در کل پیکره شهری و ایجاد انسجام در کالبد و تصور ذهنی از شهر با شناخت صحیح ظرفیت لبه به عنوان عنصری از منظر شهر و کمیته کالبدی که یک امتداد و نشانه‌ای قابل تشخیص از نظر بصری است، میسر می‌شود. بررسی سیر تحول و شناسایی لبه‌های تاریخی شهر و طراحی لایه‌های جدید در تطبیق با این لایه‌ها در احیای هویت طبیعی، تاریخی و خوانایی شهر مؤثر است.

لبه‌ها به صورت طبیعی یا مصنوعی در مقیاس‌های خرد تا کلان در شهر وجود دارند. رودخانه‌ها، دره‌ها، بدنه بزرگراه‌ها مهم‌ترین مصادیق لبه در شهر تهران است.

تراموای اسی- مسیر ماشین‌دودی.

دوره پهلوی اول : خیابان‌های جدید بر روی مسیر دیوارشهر- راه‌آهن- خیابان انقلاب (شاه‌رضا)- خیابان ولی‌عصر (پهلوی)- خیابان مولوی- خیابان سی‌متری- خیابان بهارستان- خیابان ژاله- خیابان شوش.

دوره پهلوی دوم : خیابان شریعتی، خیابان شهید طالقانی (تخت جمشید)، خیابان شهید مطهری (تخت طاووس)، خیابان شهید بهشتی (عباس‌آباد)، خیابان ولی‌عصر، خیابان میرداماد، خیابان کریم‌خان، خیابان انقلاب (تصاویر ۱۰-۶).

۳- لبه‌های شهری جدید

بزرگراه نواب

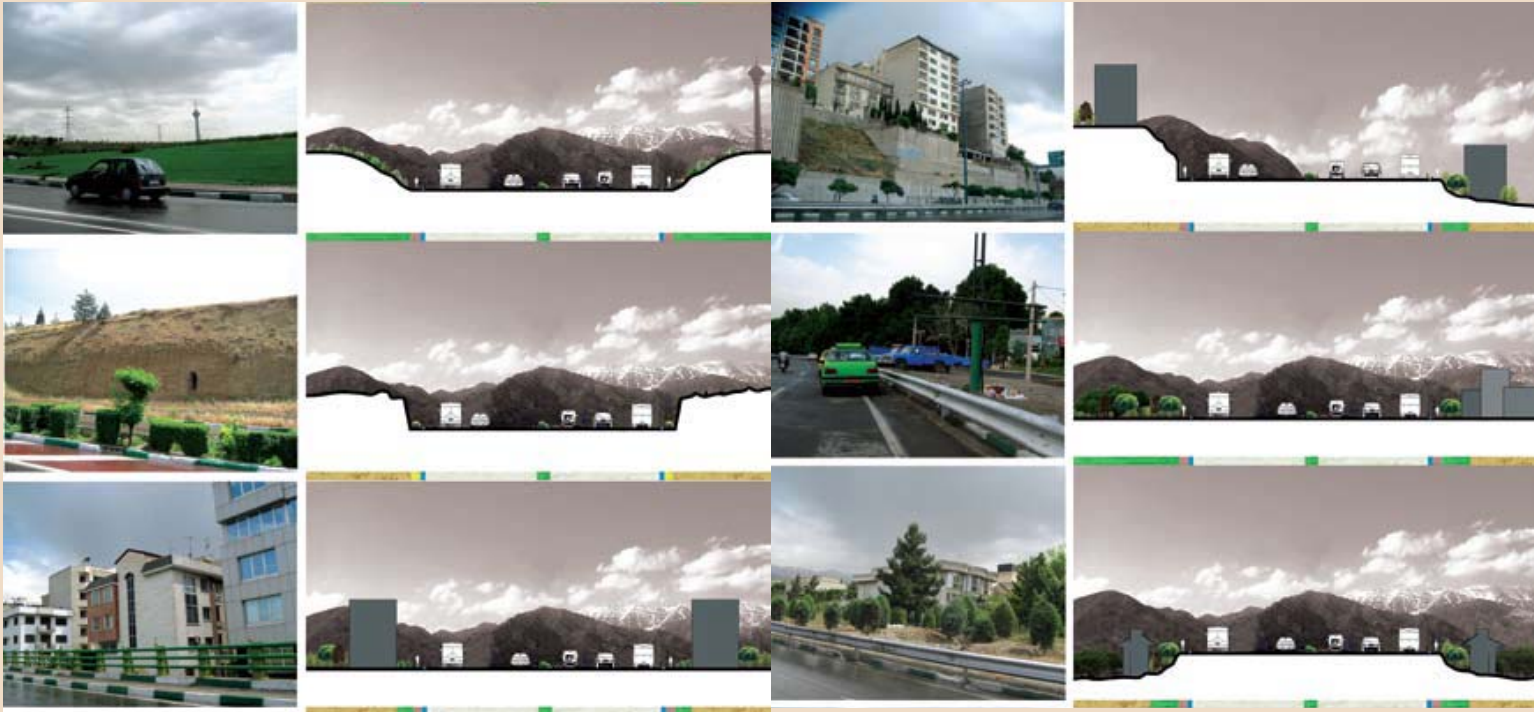
طرح نواب، ادامه بزرگراه شهید چمران (پارک وی) است که از ناحیه شمالی در امتداد نواب به سمت جنوب شهر ادامه یافته و پس از عبور از شرق پادگان قلعه‌مرغی، به بزرگراه تهران - قم مرتبط می‌شود. بدین ترتیب، یک بزرگراه سراسری به منظور تکمیل حرکت شمالی - جنوبی تهران از شمیران تا حوالی میدان راه‌آهن به وجود می‌آید. ساختمان‌های مسکونی در دو طرف این بزرگراه، به عنوان دیواره‌هایی از پیش تعریف شده معرف حریم این بزرگراه است (تصاویر ۱۱ و ۱۲).

بزرگراه یادگار امام

بزرگراه یادگار امام به عنوان یک لبه مصنوعی در مقیاس شهری دارای اهمیت ویژه‌ای در شهر تهران است. اهمیت آن از این جهت است که یک محور شریانی مهم و محل



تصویر ۱۵: مقطع طولی بزرگراه یادگار امام، مأخذ: نگارنده.



تصویر ۱۶: مقطع طولی بزرگراه یادگار امام، مأخذ: نگارنده.

پی‌نوشت

۱. برگرفته از پروژه کلاسی درس منظر شهری.

منابع

- آذرباشی، آیه؛ زندی، مرجانه و یاراحمدی، سمانه (۱۳۸۸) پروژه کلاسی درس منظر شهری، استاد راهنما: دکتر سیدامیر منصوری، دانشگاه تهران.
- حمیدی، ملیحه (۱۳۷۶) استخوانبندی شهر، معاونت فنی و عمرانی شهرداری تهران، سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران، تهران.
- کاتوزیان، شهاب (۱۳۸۸) تهران پایتخت: ۱۹۹۷-۱۷۸۶ بازآفرینش یک کلان شهر، شارستان، شماره ۲۴.
- لینچ، کوین (۱۳۷۲) سیمای شهر، ترجمه منوچهر مزینی، دانشگاه تهران، تهران.
- منصوری، سید امیر (۱۳۸۷) جزوه درس منظر شهری، دانشگاه تهران.
- نوروزی طلب، حمیدرضا (۱۳۸۶) از طهران تا تهران، انتشارات یساولی، تهران.

- www.paris-pictures.net
- www.asla.org
- www.acceleratingfuture.com
- www.barcelona-spain.ca

نتیجه‌گیری

تأکید بر عناصر منظرین و هویتی در شهرها، تصور ذهنی پیوسته، حس هدف و وسیله جهت‌یابی و خوانایی را باعث می‌شود. لبه‌ها به دلیل مشخص کردن امتدادهای اصلی و راستاهای تعیین‌کننده استخوان‌بندی شهر در ایجاد کلیت پیوسته و احیای هویت طبیعی، تاریخی و مصنوع آن بسیار مؤثر است.

آنچه در منظر امروز تهران مطرح است، عدم انطباق ساختار جدید آن بر ساختار تاریخی و طبیعی آن است. لایه ساخت و ساز جدید تهران، لایه قدیمی را در بعضی از لبه‌های مهم و تعیین‌کننده شهر، مانند رود دره‌ها شکافته است.

لبه‌های تهران یا آنچنان شاخص نیست که به ایجاد نقشه ذهنی کمک کند و یا امتداد آنها بارها توسط عوامل فرعی قطع شده است. لذا در رساندن اطلاعات محتوایی و مکانی خود ناموفق هستند. ساخت و سازهای بلند شمال شهر به علت عدم تأکید بر لبه‌های توپوگرافیک شهر، روشنی و وضوح لبه شاخص البرز را از بین برده و یا شبکه بزرگراه‌های شهری که امروز خود پدید آورنده لبه‌های مصنوع در لایه متأخر شده‌اند، فاقد عناصر هویتی زمینه‌ای است که بر آن شکل گرفته و سبب گسست عینی و ذهنی بیش از پیش کلیت شهر شده است.

لبه‌های شهری به دلیل نقش مهمی که در ایجاد نقشه‌شناختی و ذهنی شهروندان دارند، باید منظر شبانه‌ای منطبق بر ساختار روز داشته باشد تا در درک کلیت شهر گسست ایجاد نشود ■